

سیاست حبس زدایی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

حسن ارشادی فارسانی^۱

چکیده

در خصوص استفاده از مجازات حبس در دوران اخیر، همواره در بین حقوقدانان و دستگاه قضایی یک کشمکش و مجادله وجود داشته است که همه و همه نشان از یک ضرورت مهم و با اهمیت دارند. این ضرورت چیزی جز سیاست حبس زدایی نمی باشد. در سال های گذشته با بررسی عملکرد دستگاه قضایی در برخورد با معضلات و مشکلات حقوقی که مردم با آن سر و کار دارند، به خوبی مشاهده می شود که این قوه اقدامات مناسب و بی سابقه ای را در رابطه با حبس زدایی و استفاده از مجازات های جایگزین حبس شروع و به ثمر رسانده است. زیرا با اجرای مجازات حبس، جمعیت کیفری زندان و تکرارکنندگان جرم به طور روز افزون افزایش می یابد و امروزه تردیدهای فزاینده ای نسبت به نقش کیفر سالب آزادی اعم از کوتاه مدت و بلندمدت و مشروعیت آن ایجاد گردیده و از رواج اولیه آن بیش از پیش کاسته می شود. اندیشمندان حقوق کیفری اکنون برای گریز از مشکلات زندان ها ضمن تحدید قلمرو این مجازات راه حل هایی را ارائه می کنند که فاقد معایب سالب آزادی بوده و در بردارنده کنترل، اصلاح، جبران و پیشگیری مناسب برای این مجازات باشد. یکی از مهم ترین روش ها برای تحدید این مجازات، تدابیر جایگزین می باشد که ضمن برآورده کردن هدف های کیفری، هزینه های مادی و معنوی اجرای مجازات زندان را کاهش می دهند. در این اندیشه به زندان به مثابه آخرین حربه نگریسته می شود و تا هنگامی که دیگر شیوه های کیفردهی دسترس پذیر و سودمند باشد توسل به زندان ناموجه تلقی شده است.

کلیدواژه ها: حبس زدایی، جایگزین حبس، مجازات، تعلیق، آزادی مشروط

۱. مقدمه

حبس به عنوان کیفر در تاریخ تحولات حقوق کیفری یعنی نیمه دوم قرن هیجدهم همواره به عنوان یک واقعیت گریزناپذیر وجود داشته است. هر چند در طی ادوار مختلف تحولاتی در رویکرد به فلسفه مجازات حبس پدید آمده است. حق آزادی که پس از حق حیات اساسی ترین حق بشر محسوب می شود جایگاه خود را پیدا کرد و بر همین مبنا چهارچوب روابط قوای حاکم بر شهروندان بارها تعریف شد و حقوق شهروندی افزایش یافت و این مسأله موجب فزونی تکالیف حکمرانان شد. مردم به دنبال دولت های

^۱ - کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

پاسخگو بودند و انتظار داشتند حاکمان حقوق اولیه شهروندان را به صورت تمام و کمال حفظ و حراست کنند.

محور قرار گرفتن حقوق اساسی شهروندان به ویژه آزادی، سلب آزادی از افراد را به عنوان یک استثنای کاملاً محدود مطرح کرد و گستردگی استفاده از حبس و بازداشت موقت را زیر سؤال برد و سلب آزادی تنها برای موارد مهم و خطرناک مجاز شمرده شده و از این حیث به لحاظ نظری مشروعیت کاربرد حبس در شکل جاری آن دچار تردید شد و کمتر کسی می پذیرفت که از تمام مجرمان باید سلب آزادی شود. آمارها نشان داد که حبس کیفری چه با فلسفه ارباب بازدارندگی چه با فلسفه اصلاح و درمان با شکست عملی مواجه شده است. در کشورهای با نظام کیفری حبس محور، نه تنها ارتکاب جرم کاهش نیافت، بلکه آمار تکرار جرم توسط محکومین سابقه دار رقم بالایی است. ضمن این شکست عملی انتقادهای گسترده ای به آثار منفی زندان هم از لحاظ اقتصادی هم از لحاظ اجتماعی صورت گرفت.

همه این اشکالات باعث شد حقوقدانان و متفکران علوم کیفری به دنبال یافتن جایگزین هایی برای مجازات حبس باشند در جهت تعدیل این کیفر. منظور همان اشکالات نام برده شده در کنار شکست عملی مجازات حبس و تردیدهایی که در مشروعیت نظری مجازات زندان پدید آمده بود می باشد. موج این تحولات به کشور ما هم رسیده است. تدوین قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و گنجاندن انواع مجازات های جایگزین حبس، نشان می دهد که قانونگذار، درصدد بر طرف کردن مشکل حبس محوری نظام کیفری می باشد. علاوه بر تردیدهایی که در مشروعیت نظری مجازات های سالب آزادی به لحاظ حقوق بشری پیش آمده است و اشکالات عدیده ای که برای مجازات زندان برخوایم شمرد در رویکرد اخیر دستگاه قضایی نسبت به کیفر سالب آزادی و تحدید موارد آن دو دلیل دیگر هم وجود دارد: ۱- شکست عملی برنامه اصلاح و درمان در زندان های ایران ۲- نوع نگاه قانونگذار به مسأله زندان در فقه اسلام. (شاهرودی، ۱۳۸۱، ص ۷۲)

۲. مفهوم جایگزین های حبس

یکی از مهم ترین مواردی که می تواند به زعم نگارنده، سیاست حبس زدایی را به پیش براند و در جهت کاهش مجازات حبس، اعمال گردد، استفاده از مجازات های جایگزین و استفاده از تدابیری چون تعلیق مجازات، آزادی مشروط، جریمه روزانه و ... می باشد که در فصل چهارم همین پایان نامه به طور موردی و مفصل به بررسی آنها خواهیم پرداخت. به مجموعه ای از مجازات ها که می توان با رعایت شرایطی، آنها را در خصوص مجرمان اعمال نمود و از تحمل حبس آنها خودداری نمود، مجازات های جایگزین حبس گویند که تأثیر عمده ای در بالندگی سیاست حبس زدایی دارند. انواع مجازات های جایگزین حبس عبارتند از: دوه ی مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از

حقوق اجتماعی. (میرزاخانلو، ۱۳۸۹، ص ۴۳) یکی از اهداف اساسی قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، اجرای سیاست حبس زدایی است و بدون شک، پس از اجرای این قانون، شاهد کاهش قابل توجه جمعیت زندان ها خواهیم بود. سیاست حبس زدایی با استفاده از جایگزین های حبس، بحث های زیادی را در میان حقوقدانان و جرم شناسان برانگیخته است و موافقان و مخالفان زیادی دارد و سرانجام، قانون گذار ما تسلیم موافقان شد. هر چند بسیاری از فقها، مجازات حبس را مورد قبول شرع نیز نمی دانند. به هر حال باید نتیجه را در عمل و پس از اجرای قانون، جستجو نمود. گرچه برخی از آثار مثبت آن از هم اکنون قابل پیش بینی است. مانند: بهبود وضعیت زندان ها، صرفه جویی در هزینه ها و فراهم شدن فرصت بیش تر برای اصلاح مجرمان و اجرای بهتر عدالت و... (زراعت، ۱۳۹۲، ص ۱۴۹)

نکته آخر اینکه در قانون مجازات عمومی پیشین و همچنین قانون مجازات اسلامی پس از انقلاب نیز ساز و کارهایی تعبیه شد که بر اساس آن برخی از مجرمان به جای تحمل کیفر حبس، مجازات جایگزین مانند جریمه، محرومیت از شغل و... می شدند. اما متأسفانه چنین تغییر، تعدیل و یا تبدیلی در غالب تخفیف مجازات، آنچنان که باید در محاکم، اجرایی نشد؛ زیرا ضابطه هایی که به صورت روشن اصول حبس زدایی را شفاف و تدبیرهای جایگزین آن را مشخص کند، تدوین نشده بود.

۳. مبانی عملی ناکار آمدی کیفر حبس

کیفر حبس دیگر امروزه کارایی ندارد و اثرات زیان بار آن بیشتر از فواید و منافع اجرایی آن است، به همین دلیل جایگزین های مناسب برای کیفر حبس پیش بینی شده است تا اینکه جایگزین ها بتوانند اثرات زیان بار کیفر حبس را از بین برده یا اینکه از اثرات آن بکاهد. (آشوری، ۱۳۸۵، صص ۳۸-۳۹) این دلایل، بخشی به اهداف کیفر حبس بر می گردند و بیانگر این امر می باشند که کیفر حبس نتوانسته اهداف مورد نظر اصلاح و درمان و ارعاب و باز دارندگی را برآورده نماید. بخشی دیگر از این دلایل بر نقش کیفر حبس و شیوه ی اجرای آن بر می گردند. به عبارت دیگر، محیط زندان و قیود و شرایط حاکم بر آن «جرم زا بودن زندان، هزینه های اقتصادی، مشکلات بهداشتی و روانی» باعث می شود تا مخالفان به فکر ایجاد روش های جایگزین مناسب برای کیفر حبس باشند. به عبارت دیگر، اینها باعث می شوند که کیفر حبس نتواند آن رسالت و اهداف مورد نظر را برآورده نماید، به عنوان مثال جرم زا بودن محیط زندان و تراکم جمعیت و کمبود فضا باعث شکست برنامه اصلاح و درمان در زندان می باشد. عمده دلایل عملی عدم مشروعیت مجازات حبس که از سوی مخالفان ارائه شده است، در ذیل مورد بحث قرار می گیرند که عبارتند از:

شکست مجازات حبس در دستیابی به اهداف

مجازات ها از اهدافی برخوردار می باشند و از جمله آنها عبارتند از: «ارعاب و عبرت انگیزی و پیشگیری از جرم به طور خاص و عام» و بازسازی مجدد مجرم در جامعه «اصلاح و درمان». (اردبیلی، ۱۳۹۳،

ص ۱۴۲) مخالفان کیفر حبس معتقدند که این مجازات نتوانسته است اهداف فوق را برآورده کند. در ذیل به عقاید مخالفان کیفر حبس راجع به ناتوانی و شکست مجازات حبس در تحقق هر یک از اهداف فوق در دو بند جداگانه خواهیم پرداخت.

الف- ناتوانی در پیشگیری از جرم

منظور جنبه های پیشگیرانه و سودمندانه کیفر می باشد به این معنا که آن کیفر، چنان ترس و واهمه ای ایجاد کند که در وهله اول، نسبت به خود محکوم یا مرتکب، تمایل به ارتکاب مجدد بزه را در او از بین ببرد و در وهله دوم، نسبت به عموم افراد جامعه که جزء بزهکاران بالقوه می باشند و ممکن است به تقلید از بزهکار اصلی به دامن ارتکاب جرم روی آورند. تعبیر جلوگیری از اندیشه ارتکاب مجدد جرم از سوی مرتکب را پیشگیری خاص و جلوگیری از ارتکاب جرم به تقلید از بزهکار را پیشگیری عام می نامند، اینکه آیا کیفر حبس توانسته این هدف مجازات ها را برآورده کند یا خیر به درستی معلوم نیست. به عبارت دیگر، با در نظر گرفتن این هدف برای کیفر، آیا می توان معتقد بود که از ارتکاب جرائم و تکرار آن در سطح جامعه جلوگیری به عمل آمده است؟

آمارها نشان می دهند که این کیفر در برآورده کردن این هدف موفق نبوده است و باز می بینیم که نه تنها عموم افراد از ارتکاب جرم دست نکشیده اند بلکه همچنین بخشی از جمعیت کیفری زندان را تکرار کنندگان جرم تشکیل می دهند و هر سال به این تعداد افزوده می شود. اینها بیانگر این است که مجازات زندان در کاهش آمار جرائم، بازدارندگی و پیشگیری از جرم تأثیری ندارد. بنابراین زندان نه تنها نمی تواند امنیت قضایی را برقرار کند، بلکه بی اعتمادی و بدبینی نسبت به دستگاه قضایی را نیز موجب خواهد شد. (گودرزی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۹)

ب- شکست برنامه های اصلاح و درمان

یکی دیگر از اهداف مجازات ها باز پروری مجدد اجتماعی بزهکاران و اصلاح و درمان آنها می باشد. اندیشه اصلاح و درمان بزهکاران و بازسازی مجدد وی یکی از آموزه های فکری مکتب دفاع اجتماعی جدید می باشد. برنارد بولک معتقد است که: «اصلاح مقصر با این هدف است که او دوباره به راه خطا باز نگردد». (بولک، ۱۳۷۲، ص ۳۳)

اندیشه اصلاح و درمان و بازپذیری در اسناد بین المللی منعکس شده است. به عنوان مثال می توان به قواعد حداقل لازم الرعایه راجع به طرز رفتار اصلاحی با زندانیان مصوب ۱۹۵۵ و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در سال ۱۹۶۶ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد اشاره کرد که در سال ۱۳۵۴ به امضای دولت ایران رسیده و مجلس نیز آن را به تصویب رسانده است. مفاد همین قواعد و مقررات بود که

قبل از انقلاب و پس از آن توسط دولت جمهوری اسلامی ایران با تدوین آیین نامه هایی تحت عنوان آیین نامه اجرایی حبس در سال ۱۳۷۲ و سپس اصلاحیه آن در سال ۱۳۸۰ به مرحله اجرا درآمد. همه این معاهدات و مقررات و طرح های بین المللی و داخلی در جهت انسانی کردن مجازات حبس و اصلاح و درمان مجرمان پیش بینی و ارائه شده بودند. اما به لحاظ مشکلات و ایراداتی که بر زندان و نحوه اجرای آن وارد می باشد جنبه های اصلاحی و بازپروری کیفر حبس دچار تردید و شکست شده به گونه ای که زندان امروزه علی رغم تأکید بر جنبه های اصلاح و درمان و بازپروری آن، نه تنها نتوانسته در درمان و اصلاح بزهکاران موفق باشد بلکه بر نرخ تکرار جرم ارتكابی توسط زندانیان بعد از آزادی از زندان افزوده شده است. از جمله عواملی که تأثیر بسزایی در عدم موفقیت برنامه اصلاح و درمان بزهکاران در زندان دارند و یا زمینه های اصلاح و درمان را دشوارتر می کنند عبارتند از، تراکم جمعیت زندان و کمبود فضای مناسب برای نگهداری زندانیان.

جرم زا بودن محیط زندان

بلاشک، امروزه دیگر بر همگان ثابت شده است که محیط زندان علی رغم هدف اصلی از تأسیس آن که همانا اصلاح نمودن مجرم است، نه تنها نتوانسته است به هدف فوق نائل آید، بلکه در بسیاری موارد، مجرم با تلفیقی از جرایم تازه آموخته از محیط زندان، وارد جامعه می شود. مخالفان کیفر حبس معتقدند که زندان در عمل به یک محیط جرم زا و مجرم پرور تبدیل شده است. (گودرزی، ۱۳۸۶، صص ۱۲۱-۱۲۵) دلایل زیر بیانگر جرم زا بودن محیط زندان به نظر می رسند و عبارتند از:

اولاً: زندان مکانی مناسب است برای آماده کردن و انتقال راه های ارتكاب بزه طی مدتی که زندانیان در یک جا با هم در ارتباط می باشند. به عبارت دیگر همان پدیده «فرهنگ پذیری از زندان مدنظر است.» (همان منبع، ص ۱۱۲) با این توضیح که در وهله اول برای خود زندانی، زیرا محکومی که به خاطر ارتكاب جرم کم اهمیت به زندان رفته ممکن است در اثر تماس با بزهکاران حرفه ای داخل زندان به مجرم حرفه ای تبدیل شود. به همین خاطر برخی معتقدند که زندان موجب ارتقای کیفیت جرائم می شود چرا که هر چه تراکم زندانیان بیشتر باشد مقدار یادگیری شگردها و حيله های بزهکاری نیز بیشتر می شود. در وهله دوم نسبت به سایر افراد جامعه، زیرا زندانی با آزاد شدن، موجب انتقال فرهنگ و متون مجرمانه به سایر عموم افراد جامعه می شود و پدیده ای بنام «فرهنگ پذیری از زندان» ممکن است نسبت به عموم افراد جامعه نیز رخ دهد و افراد زیادی به سمت ارتكاب بزه با الگو و فرهنگ پذیری از زندانی سوق پیدا می کنند. بنابراین در جرم شناسی های معاصر نظریه ای با عنوان «فرهنگ پذیری زندان» مطرح شده که گونه های فرهنگ زندان در طول اقامت در حبس بر شخصیت و رفتار زندانیان تأثیر می گذارد.

ثانیاً: زندان مکان مناسب برای ارتکاب خشونت و ستیزه جویی می باشد. این خشونت و ستیزه جویی ممکن است یا در نتیجه عمل زندانیان نسبت به همدیگر مثل زد و خورد، ناسزا گفتن و... باشد یا به واسطه عمل مأمورین زندان نسبت به زندانیان باشد. همچنین خشونت ممکن است به واسطه اوضاع و احوال حاکم در زندان و مشکلات بهداشتی باشد.

ثالثاً: عدم کنترل دقیق برای ورود و خروج مواد مخدر به زندان، روابط جنسی زندانیان با یکدیگر و در نهایت عدم رضایت فردی آنها از محیطی که در آن زندگی می کنند زندان ها را به محیطی جرم پرور تبدیل کرده است. به عنوان مثال زندان چون که مانعی بر سر راه ارضای غریزه جنسی می باشد موجبات بروز انحرافات جنسی را فراهم می کند که بیانگر مجرمانه و مجرم پرور بودن محیط زندان می باشد.

تعارض با اصل شخصی بودن مجازات ها

اصل بر این است که مجازات ها تنها بر شخص مجرم تحمیل شود. اما باید گفت که زندانی شدن مجرم، بی شک، به شکل غیرمستقیم آثار زیان بار مالی، معنوی، فکری و روحی را بر خانواده زندانی به بار می آورد، در نتیجه به اصل شخصی بودن خدشه وارد می شود و این عمل مجازات را از حالت شخصی بودن خارج می کند. نمونه ای از این مشکلات که می توان اشاره کرد نگرانی و احساس ناامنی میان سایر اعضای خانواده، نداشتن منبع درآمد، ترک تحصیل فرزندان، سرخوردگی در جامعه و بین دوستان حتی طرد شدن از جمع فامیل و دوست و آشنا و... می باشد. در برخی موارد زندان به عنوان «داروی بدنی از درد» تعبیر می شود. (آشوری، ۱۳۹۴، ص ۴۹) یکی از محققان (رستمی، ۱۳۹۱، ص ۳۲) در این باره می گوید: «تأثیر مهمی که زندانی شدن فرد بر او وارد می کند در زمینه خانوادگی است. وقتی فردی به خاطر هر جرمی محکوم بر حبس شود افرادی که دارای همسر و فرزند می باشند به خاطر دوری از خانواده و بی سرپرستی آنها دچار مشکلات روحی و روانی در زندان خواهند شد و خانواده او هم بر اثر بی سرپرستی در جامعه ممکن است به انحراف و فساد کشیده شوند.» به نظر می رسد زمانی این اثر مخرب زندان، قابل لمس است که زندانی یک فرد متأهل باشد و نیز به ویژه زندانی متأهلی که دارای فرزندی باشد چون اثر تخریبی زندان بر فرزندان زندانی نسبت به سایر اعضای خانواده وی بیشتر است. حتی در زمینه اقتصادی بیشترین فشار و سختی بر خانواده فرد محبوس شده وارد می شود.

هزینه های اقتصادی زندان

اجرای کیفر حبس دارای اثرات زیان بار اقتصادی می باشد و زندانی کردن دو اثر اقتصادی را به دنبال دارد. اول: اثر مستقیم (ضرورت ساخت زندان های جدید با توجه به تراکم جمعیت) هزینه نگهداری زندان های قدیمی از قبیل تعمیر و خوراک و پوشاک زندانیان، هزینه های درمان و بهداشت مجرمان و زندانبانان و

خود محیط زندان، هزینه های دستمزد مأمورین زندان، مددکاران اجتماعی و... این قبیل هزینه ها بر دولت تحمیل می شود.

دوم: اثر غیرمستقیم؛ با زندانی شدن، تعداد زیادی از افراد جامعه دچار رکود اقتصادی می شود. به عبارتی زندان نه تنها باعث بیکار شدن عضو فعال جامعه می شود بلکه باعث می شود که فرد موقعیت شغلی گذشته خود را بنا به دلایلی از دست بدهد در نتیجه همین عامل اخیر باعث می شود که فرد آزاد شده مجدداً دست به ارتکاب جرم بزند. از نظر اقتصادی این مسأله بسیار مهم است. یعنی فقدان حتی یک فرد از افراد جامعه در چرخه اقتصادی کشور که می توانسته مؤثر باشد. طبیعی است در کل افرادی که در زندان های این استان بسر می برند تعدادی هستند که در چرخه اقتصادی کشور مؤثر هستند. یکی از دغدغه های اصلی مردانی که متحمل حبس می شوند این است که آینده شغلی آنان پس از آزادی چه سرنوشتی پیدا خواهد کرد و چه اتفاقی خواهد افتاد.

فرهنگ حاکم در جامعه فرهنگی است که اولاً هیچ گونه اعتمادی به فرد زندانی یا فردی که به تازگی از زندان آزاد شده است ندارند ولو اینکه افرادی با مهارت بالا باشند. ثانیاً دقت کمتری در بکارگیری افراد وجود دارد. این عوامل باعث شده که یک حالت دلهره و اضطراب در زندان و افراد زندانی وجود داشته باشد که وضعیت شغلی آنها که منتهی به وضعیت اقتصادی خانواده شان می شود چگونه است و آینده چگونه خواهد شد. مطابق قانون حتی در مرحله اتهامی نیز مدیر و وزیر دستگاه می تواند فرد را از اداره اخراج کند و پرداخت حقوق و مزایای کارمند را متوقف کند که این خود آسیب جدی به پیکره خانواده وی وارد خواهد ساخت، طبیعی است که این قاعده در مورد کسانی جاری است که محکوم به حبس شده اند.

همه این عوامل باعث شده است که یک حالت دلهره و اضطراب در زندان و افراد زندانی وجود داشته باشد که وضعیت شغلی آنان چگونه است و آینده آنان چه خواهد شد. کسانی که دارای همسران شاغلی هستند یا افراد مجرد از دلهره و دل مشغولی کمتری برخوردارند و این فشار عظیم روحی و روانی بر روی آنان نیست یا فشار روحی کمتری تحمل می کنند. اگر ما آمار مربوط به افرادی که به علت بیکاری دست به ارتکاب جرم زدند به همین مسأله بیافزاییم خواهیم دید که دغدغه بی موردی نیست که این افراد دارند. چرا که اعتقاد نگارنده بر این است که علت عمده و اصلی ارتکاب جرائم به جرأت می توان گفت که مشکل بیکاری است. حال اگر این بیماری بعد از تحمل حبس مجدداً و یا جدیداً به سراغ فرد آزاد شده بیاید وضعیت به صورت ارتکاب جرم جلوه گر خواهد شد. آیا واقعاً در اینجا محبوس کردن این افراد راه چاره و دوی درد است؟ اگر هدف ما اصلاح و تربیت و برگشت موفقیت آمیز محکوم به آغوش جامعه باشد. اینجاست که واحدهای مراقبتی و حمایتی اهمیت بیشتری پیدا می کند. اگر هدف ما برگشت دادن

یک فرد اصلاح شده به دامن اجتماع است باید به نوعی یعنی حتی اگر شده با بازنگری در قوانین موجود این معضل را حل کرد و شاهد بکارگیری راه حل های مفید و مناسب در مقابل محکوم و مجرم بود. و از طرفی بعد از تحمل آن مجازات تعیین شده، شاهد بهره برداری از نیرویی که به نوعی برای او هزینه شده است باشیم. یعنی از طرفی اولاً تلاش در تصویب قوانین مناسب بخصوص «لایحه مجازات اجتماعی» داشته باشیم و ثانیاً شرایط مناسب در اجتماع را فراهم آوریم که پذیرای این افراد باشند که اگر جرمی مرتکب شده اند تاوان آن را نیز پس داده اند و حال آماده بازسازی زندگی خود یا به نوعی ادامه یک زندگی سالم هستند.

مشکلات بهداشتی موجود در زندان

از جمله ایرادهایی که بر کیفر حبس وارد می باشد وضع نامطلوب بهداشت در محیط زندان و بین زندانیان است (رستمی، ۱۳۹۱، ص ۳۲). شیوع بیماری های مسری مثل بیماری های عفونی و پوستی و همچنین ایدز، سل، هیپاتیت و... در زندان بسیار چشمگیر است. این گونه بیماری ها از طریق استفاده مشترک از سرنگ های تزریقی، مقاربت های جنسی بوجود می آید. از سویی علت وضع نامطلوب بهداشت در زندان را می توان به تراکم جمعیت در زندان و کمبود فضای آن اشاره کرد زیرا هر چه تراکم بالا باشد خطر ابتلا به این گونه بیماری ها افزایش پیدا می کند و برای علت دیگر می توان ناشی از چرخه ورود و خروج زندانیان به داخل و خارج از محیط زندان اشاره کرد. بنابراین در زندان خطر ابتلا به امراض مسری نسبت به سایر اماکن بیشتر است.

اثر روانی نامطلوب زندان بر زندانی

زندان با توجه به وضعیتی که در آن حاکم است موجب بروز اختلالات روانی و عصبی نسبت به کلیه زندانیان به ویژه زندانیانی که احساس بی عدالتی نسبت به خود داشته باشند می شود که به آسانی درمان پذیر نیست. تأثیر زندان بر زندانی بخصوص روان زندانی ناشی از عامل گوناگونی مثل فقدان مراقبت های پزشکی کافی، شیوع بیماری های خطرناکی مثل ایدز و سوءرفتارهای جنسی در زندان و سوءتغذیه است. (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶، ص ۱۵)

مطالعات جرم شناختی خصوصاً پژوهش های متمرکز بر عوامل جرم تقریباً همگی نشان می دهند که اختلال روانی یکی از عوامل موثر و مهم در وقوع جرم محسوب می شود. از این رو زندان را باید محلی برای تجمع بیماران روانی مجرم قلمداد کرد و به این ترتیب قابل پیش بینی است که شیوع اختلالات روانی در زندان ها بیش از خارج از زندان ها باشد اگر چه این نکته را نیز نباید از خاطر دور کرد که همه افراد مبتلا به بیماری روانی لزوماً مجرم نیستند.

هدف از زندان اصولاً مجازات یا ایجاد ترس برای پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم و اصلاح جرم است نظریه کنترل با ترکیب عوامل ساختاری و فردی تبیین جامعی از فرایند بازپروری و اصلاح مجرمان زندانی می دهد. براساس این نظریه بازپروری و اصلاح مجرمان نیازمند حفظ مجموعه ای از پیوندهای اجتماعی با خانواده، جامعه و نهادهای اجتماعی و مستلزم رشد مجموعه ای از خصیصه های فردی است. به نظر می رسد اصلاح وضعیت کنونی زندان ها می تواند به بهبود سلامت روان زندانیان کمک قابل توجهی نماید. در واقع اقداماتی که منجر به پیوستگی زندانیان با خانواده هایشان شود رابطه آنها را با جامعه تضمین نماید و خود پنداره مثبت را در آنها تقویت کند قطعاً نتایج و دستاوردهای بهتری خواهد داشت. مطالعات نشان داد زندانیانی که به فعالیت های فنی و حرفه ای اشتغال داشته اند و با مددکاران بیشتر در ارتباط بوده اند خود پنداره مثبت تری داشته اند و طی دوران زندان خود پنداره در جهت مثبت تغییر کرده است.

از بین رفتن حس مسئولیت

زندانی به هنگام ورود به زندان و یا هنگام خروج از زندان ممکن است از یک سو از طرف خانواده اش که با زندانی شدن، متحمل مشکلات عاطفی، مالی و ... شده اند طرد شود و دیگر وی را به دیده عضو خانواده قبول نداشته باشند که در اثر این طرد شدگی زمینه ها برای جذب شدن بزهکار به باندهای فساد و انحراف و مشکلات روحی و روانی فراهم می گردد. (رستمی، ۱۳۹۱، ص ۳۲) و از سوی دیگر جامعه وی را به عنوان یک فرد عادی و مطمئن نگاه نمی کند و حتی به لحاظ غیبت های طولانی از محیط کار و از دست دادن سرمایه شغل سابق خود را از دست بدهد. همه اینها باعث ایجاد اختلالات در شخصیت زندانی می شود که در نتیجه آن زندانی هیچ احساس تعهد و مسئولیتی را اولاً نسبت به خانواده ثانیاً نسبت به جامعه نداشته باشد پس یکی از آثار منفی زندان و در واقع از معایب زندان کمک در رسیدن به احساس پوچی و بی هدفی در زندان است (رستمی، ۱۳۹۱، ص ۳۲). در همین راستا عده ای معتقدند که: «از دیگر تبعات حبس این است که زندانی احساس می کند که در طول مدت حبس از امکانات رایگان و مجانی برخوردار می شود این امر ضمن سوق دادن زندانی به تن پروری و بیکاری موجب از بین رفتن حس مسئولیت در وی خواهد شد.» (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۴۲)

استفاده از طرح جایگزین های حبس

استفاده از جایگزین های مجازات حبس را باید در حقیقت نوعی کیفرزدایی تلقی کرد. زیرا کیفر زدایی طبق تعریف شورای اروپا عبارت است از: «کلیه اشکال جرح و تعدیل در درون نظام کیفری در جهت تخفیف مانند تبدیل بزهی از درجه جنایی به جنحه ای یا گذاشتن یک اقدام «جانشین» به جای کیفر سالب آزادی.» (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۱) در این بخش به استفاده از مجازات های جایگزین در پرتو تحولات کیفری به طور اختصار خواهیم پرداخت.

انواع جایگزین های حبس

جزای نقدی

جزای نقدی که از جایگزین های مطلق مجازات سالب آزادی می باشد جزء تبدیل مجازات ها می باشد. معایب زندان کوتاه مدت، اندیشمندان و قانون گذار را به پذیرش ابزارهای متنوع کیفری جهت مبارزه با بزهکاری متقاعد کرد. اثرات منفی و معایب کیفر کوتاه مدت سالب آزادی، مقنن را به انتخاب سیاست جنایی جانشین به طور تقنینی و رسمی در این حیطه از نظام کیفری مجاب نبوده و این کیفر را به عنوان کیفر اصلی به جای مجازات سالب آزادی تشریح کرد. جزای نقدی عبارت است از «مبلغی وجه نقد که مجرم به عنوان مجازات مکلف به پرداخت آن می باشد.» (علی ابادی، ۱۳۶۸، ص ۱۱۲) یا جزای نقدی عبارت است از الزام محکوم علیه به استناد حکم محکومیت به پرداختن مبلغی وجه نقد به نفع دولت. (اردبیلی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۷) یا محکومیت به تأدیه مبلغی به عنوان مجازات به خزانه دولت. جزای نقدی به اعتبار شکل و صورت به دو نوع تقسیم می شود: ۱- ثابت: جریمه ای می باشد که مقنن تعیین می نماید و ممکن است دارای حداقل و حداکثر باشد. (اردبیلی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۷) ۲- نسبی: گرامتی است که به تناسب مقدار و میزان واحد جرم معین می گردد. در این خصوص باید از ابتکار قانون گذار با وضع ماده ۸۵ در قانون جدید مجازات اسلامی ۱۳۹۲ یاد نمود.

محاسن جزای نقدی

- ۱- برعکس حبس، جزای نقدی، ایجاد فساد و تباهی خصوصاً در مورد مجرمان اتفاقی ندارد.
- ۲- استمرار، اثر عالی در مجازات جزای نقدی وعدم توقف آن است و در هر حال اثر اربعایی خود را حفظ می کند برعکس حبس.
- ۳- ایجاد تناسب با شدت و اهمیت جرم ارتكابی تا حدودی امکان پذیر است.
- ۴- بهترین واکنش برای جرائم علیه اموال است و برای جرائمی که تنها انگیزه مجرم تحصیل سود است عادلانه تر است.
- ۵- اجرای کیفر نقدی، هم آسان هم مقرون به صرفه است.
- ۶- جزای نقدی مجازاتی است که بیشتر، نظر به نوع جرم دارد و برای جرایم مالی تعیین می شود. زیرا مجازات باید، به گونه ای باشد که، هزینه جرم را برای مجرم، سنگین تر از نفع آن بنماید.

در بسیاری موارد به ویژه مواردی که مبلغ جزای نقدی زیاد است، محکوم نمی تواند جزای نقدی را بپردازد و در نتیجه منتهی به حبس وی می شود و نهاد «جزای نقدی روزانه» اقدامی برای پیشگیری از این امر است. (زراعت، ۱۳۹۲، ص ۱۶۴) اینها تنها بخشی از مهم ترین مزایایی بود که می توان برای جزای نقدی بر

شمرد و البته جا دارد اشاره نماییم که جزای نقدی در سیاست حبس زدایی، یکی از تأثیرگذارترین ابزارها محسوب می‌گردد.

معایب جزای نقدی

۱- با اصل شخصی بودن مجازات‌ها مخالف است زیرا خواه ناخواه اثر آن به خانواده محکوم هم سرایت می‌کند.

۲- با اصل تساوی مجازات‌ها مخالف است، رنج و عذابی که این روش بر یک مستمند اجرا می‌کند به مراتب بیشتر از رنج و عذابی است که بر یک ثروتمند اعمال می‌کند.

۳- مجازات نقدی بر خلاف سایر مجازات‌ها قطعیت و حتمیت ندارد. اجرای این روش مستلزم دسترسی به اموال مجرم و همکاری وی با مجنی علیه در معرفی اموال است. (سماواتی، ۱۳۸۹، ص ۶۸)

۴- مجازات نقدی مجازاتی است که قاضی نمی‌تواند با میزان دارایی و توانایی مالی مجرم در اجرای فردی کردن مجازات متناسب نماید.

۴-۲-۲- محرومیت از حقوق اجتماعی

مجازات‌های محرومیت از حقوق اجتماعی از ابتکارات جدید است که در برخی کشورها به کار رفته است. محرومیت از حقوق اجتماعی تابع اصول حاکم بر مجازات‌ها می‌باشد که دارای اهدافی از قبیل پیشگیری از ارتکاب جرم و اصلاح و بازپروری مجرم، رعایت اصل فردی کردن مجازات‌ها، اجتناب از مجازات حبس به لحاظ اقتصادی و جرم‌زایی بودن زندان می‌باشد.

محرومیت از حقوق اجتماعی هر چند دارای وصف کیفری است از زمره تدابیری است که بیشتر جنبه تأمینی دارد و در واقع هدف عمده این تدابیر پیشگیری از سقوط مجدد محکوم علیه در بزهکاری از طریق ایجاد موانع در انجام فعالیت مجرمانه و دور کردن او از محیط‌هایی که جنبه جرم‌زایی برای وی دارد می‌باشد. (سماواتی، ۱۳۸۹، ص ۶۹) محرومیت یعنی بازداشتن از کار یا حقی. محرومیت در اصطلاح حقوق کیفری نوعی منع قانونی است که شخص به موجب آن صلاحیت و شایستگی اعمال حقوق خودش را از دست می‌دهد. حقوق اجتماعی مزایایی است که در متن اجتماع و در ارتباط با سایر اعضای جامعه محقق می‌شود مثل عضویت در انجمن‌ها، اشتغال و آموزش فعالیت اقتصادی حق مشارکت در اداره کشور، انتخاب کردن، انتخاب شدن و... اعمال این حقوق با سرنوشت و حیات اجتماعی کلیه اعضا در ارتباط است. در قوانین کیفری ایران قبل از وضع ماده ۶۲ مکرر هیچ تعریفی از حقوق اجتماعی نشده بود. در سال ۷۷ قانون گذار کیفری با وضع ماده ۶۲ مکرر تعریف قانونی از حقوق اجتماعی ارائه داد. تبصره ماده ۶۲

مکرر مقرر می دارد: «حقوق اجتماعی عبارت است از حقوقی که قانون گذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور نموده و سلب آن به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح می باشد...» در قانون جدید مجازات اسلامی، ماده ۶۴ به محرومیت از حقوق اجتماعی اشاره نموده است. محرومیت از حقوق اجتماعی (در معنای اعم) در حقوق کیفری ایران در قالب انواع مجازات ها تحقق یافته است.

محرومیت های اجتماعی محدود کننده آزادی

اینگونه محرومیت ها به عبارتی دیگر، ناظر به همان حق اقامت اشخاص بر می گردد. آزادی در انتخاب محل اقامت و امکان رفت و آمد آزادانه از اساسی ترین حقوق اجتماعی انسان شمرده می شود که اصل ۳۳ قانون اساسی به آن پرداخته است. به موجب این اصل: «هیچ کس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد».

به هر حال اگر این آزادی موجب اختلال در نظم و امنیت جامعه گردیده و ابزاری جهت ارتکاب اعمال مجرمانه واقع شود قانون گذار به نحو مقتضی آن را سلب یا محدود می سازد. نظام کیفری ایران از بدو قانون گذاری (سال ۱۳۰۴) به ضمانت اجراهای محدود کننده آزادی به عنوان مجازات های اصلی (مواد ۸ و ۹ و ۱۲ و ۱۴ ق.م.ع ۱۳۰۴) و تبعی و تکمیلی (ماده ۱۹ ق.م.ع ۱۳۰۴) توجه داشته و سپس در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ این ضمانت اجراها به عنوان مجازات تأمینی و تبعی و تکمیلی (بندهای ۲ و ۳ ماده ۱۵ ق.م.ع مصوب ۵۲ و تبصره ۱ ماده مذکور) در نظر گرفته شدند و می توانستند به عنوان مجازات مستقل جنبه ای نیز مورد حکم قرار گیرند. پس از انقلاب اسلامی می توان به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی عنوان مجازات تتیمی، ماده ۲ لایحه مجازات اختلال در امر کشاورزی و دامداری مصوب ۱۳۵۸ به عنوان مجازات اصلی یا در ماده ۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۷۱ صراحتاً و در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۰ و یا ماده ۸۷ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد که در قالب مجازات های بازدارنده به عنوان مجازات جایگزین حبس در نظر گرفته شده اند.

تبعید

تبعید به عنوان مجازات اصلی در موارد متعددی از قانون مجازات اسلامی از جمله ماده ۸۷ در مورد زنا، ماده ۱۳۸ در مورد قوادی و مواد ۱۹۳ و ۱۹۴ در مورد محاربه و افساد فی الارض آمده است. یا ماده ۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۷۱ و نیز ماده ۲۲ لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر... مصوب ۱۳۵۹ تبعید را به عنوان جایگزین کیفر حبس پیش بینی کرده اند. ماده ۱۹۳

مقرر می دارد: «محاربی که تبعید می شود باید تحت مراقبت قرار گیرد و با دیگران معاشرت و مراوده نداشته باشد». ماده ۱۹۴ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «مدت تبعید در هر حال کمتر از یک سال نیست اگر چه بعد از دستگیری توبه نماید و در صورتی که توبه ننماید همچنان در تبعید باقی خواهد ماند».

منع اقامت یا اجبار به اقامت در منطقه یا نقاط معین

اختیار مسکن و اقامتگاه و رفت و آمد در داخل کشور برای همه افراد اتباع یک کشور اصولاً آزاد است. (اصل ۳۳ ق.اساسی) در مقررات قانونی می توان مواردی را یافت که در آنها منع اقامت یا اجبار به اقامت در نقطه یا نقاط معین به عنوان مجازات اصلی یاد شده است که این موارد عبارتند از:

- ۱- ماده ۱ لایحه قانونی راجع به مجازات حمل چاقو و انواع دیگر اسلحه سر مصوب ۱۳۳۶.
- ۲- در ماده ۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ و ۱۳۸۲ مجازات فوق را به عنوان مجازات تبدیلی اصلی البته اختیار دادگاه تعیین شده است.
- ۳- ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰. (ضمانت اجرای تخلف از اقامت اجباری یا منع اقامت در محل معین براساس ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی جزای نقدی یا زندان است).
- ۴- ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

محرومیت های سالب حقوق شغلی

حقوق شغلی یکی دیگر از حقوق اجتماعی انسان ها تلقی می شود، به عبارت دیگر، حقوق شغلی افراد محترم و غیرقابل تعرض است. (اصول ۲۲ و ۲۸ قانون اساسی) شغل مفهوم عامی است که شامل پرداختن به هر نوع فعالیت حرفه و کسب در قالب استخدام دولتی یا استخدام در مؤسسات عمومی یا خصوصی و فعالیت در قالب نظام های حرفه ای یا صنفی می شود. سلب مزایا و امتیازات اشتغال یا محدودیت در برخورداری از آنها یکی از ضمانت اجراهای اجتماعی به حساب می آیند که دارای نقش پیشگیرانه هستند. محرومیت های اجتماعی موضوع حقوق شغلی عبارتند از:

- محرومیت های حقوق استخدامی که به عنوان ضمانت اجرای کیفری اصلی در آمده است. محرومیت از حق ورود به خدمات دولتی که همان مجازات اتصال از خدمات است.
- محرومیت از فعالیت حرفه ای مثلاً تبصره ۲ ماده ۳ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی دارویی و مواد خوردنی مصوب ۳۴
- تعطیل محل کسب (به عنوان مثال موارد ۱۷ و ۲۲ ق.م.ا یا ماده ۱۳ قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷

-ابطال پروانه(به عنوان مثال، ماده واحده قانون مجازات نانوایان یا قصابان متخلف مصوب ۱۳۵۴ یا مواد ۱۷ و ۲۲ ق.م.ا یا ماده ۲۷ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴).

ب- محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان کیفر فرعی

خدمات عمومی یا کار عام المنفعه

یکی دیگر از مصادیق مجازات های اجتماعی که از طریق ایجاد محدودیت یا سلب پاره ای از حقوق اجتماعی همراه است الزام محکوم علیه بر انجام خدمات عمومی و کارهای عام المنفعه است. خدمات عمومی یا عام المنفعه نه تنها فاقد خطرات و معایب زندان است بلکه باعث ارتقای رشد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا تربیتی است و مجازات خدمات عمومی یا عام المنفعه به عنوان یکی از کیفرهای مستقل جامعه و جایگزین حبس در برخی موارد در اکثر کشورها پذیرفته شده است. انجام خدمات عمومی از سوی محکوم مترادف با بیکاری یا کار اجباری نیست، بلکه در جهت بازپروری و اصلاح محکوم علیه از رهگذر جلوگیری از آثار منفی محکومیت به زندان، و بهره گیری از ظرفیت های بازپروری، و اشتغال به کارهای عام المنفعه و جبران خسارت هایی است که فرد محکوم وارد کرده است. نام دیگر خدمات عمومی: «خدمات عام المنفعه» خدمات اجتماعی است که از لحاظ معنی و مفهوم با هم مترادف اند. خدمات عمومی یکی از انواع مجازات های اجتماعی و جایگزین مجازات حبس است و عبارت است از انجام کاری به نفع جامعه و به نحو رایگان. ژان پی نائل حقوقدان فرانسوی، خدمات عمومی را این گونه تعریف می کند و به نظر وی نظام خدمات اجتماعی عبارت است از «تأسیسی است که از نظر حقوق مستقل است...»

محکومان به این نوع مجازات در صورت پذیرش آن در مدت تعیین شده از سوی دادگاه ملزم به انجام کارهایی در مؤسسات عمومی و نهادهای مختلف دیگری که از سوی دادگاه تعیین می شود، هستند. چون خدمات عمومی به نفع اجتماع است از این رو نمی توان محکوم علیه را به انجام کار برای شخص حقیقی یا بخش خصوصی محکوم کرد و باید به کارهایی واداشته شود که عموم جامعه از منافع آن بهره مند گردند.

بر طبق ماده ۸۴ برای نخستین بار، قانونگذار به قاضی اجرای احکام، اجازه داده است که بدون دخالت دادگاه، اجرای مجازات محکوم را به طور موقت، به حالت تعلیق درآورد. آیا منظور از تأخیر در اجرای مجازات جایگزین است یا مدتی که محکوم از انجام خدمات عمومی تعلیق شده، جزء مدت محکومیت به خدمات عمومی وی محسوب می شود؟ به نظر می رسد برداشت اول صحیح تر است یعنی تعلیق در اینجا به معنای تأخیر در اجرای مجازات جایگزین حبس است. (مصدق، ۱۳۹۲، ص ۱۹۸)

مجازات خدمات عمومی ابتدا توسط سزار بکاریا در سال ۱۷۶۴ در ساله «جرایم و مجازات ها» به عنوان جایگزینی برای کیفرهای مالی در مورد سرقت های بدون خشونت پیش بینی شده است. به نظر بکاریا «کسی که درصدد است با مال دیگری ثروتمند شود باید شاهد ناچیز شدن ثروت خود باشد، لیکن، چون معمولاً چنین جرمی ناشی از فقر و ناامیدی است... و چون کیفر های مالی با افزودن به شمار بزهکاران، میزان جرائم را چند برابر می کند و با ستاندن نان جنایتکاران، بی گناهان را نیز از نان خوردن محروم می کند، مناسب ترین کیفر که می توان آن را عادلانه نامید، فقط نوعی بردگی است؛ یعنی بردگی موقت که کار و مزد مجرم را در خدمت جامعه قرار می دهد...». (بکاریا، ۱۳۷۴، ص ۱۲۰)

الف- اهداف خدمات عمومی یا عام المنفعه

۱-اصلاح و درمان و بازسازی اجتماعی مجدد محکوم علیه از طریق اجتناب از آثار سوء محکومیت و مجازات حبس و اشتغال به کارهای عام المنفعه و جبران خسارت های وارده از سوی وی. (آشوری، ۱۳۸۵، ص ۳۲۷)

۲-خدمات عمومی به عنوان کیفری مستقل و جایگزینی مناسب برای مجازات حبس است، چون حبس دارای آثار نامطلوب روانی-اقتصادی و ... است که همین مطلب اکثر کشورها را برآن داشته که به فکر جایگزین های مناسب برای زندان باشند. چون که مجرم موظف است پاره ای کارهای عام المنفعه را به عنوان مجازات عمل خلاف خود انجام دهد. در اعمال این مجازات دو هدف عمده در حقوق کیفری در نظر گرفته شده است: ۱-الزام و اجبار محکوم به جبران خسارت ناشی از جرم ارتكابی ۲-تحمل رنج و مجازات به این معنی که جرم سختی و مشقت مجازات را تحمل کند.

ب- فواید خدمات عمومی یا عام المنفعه

- ۱-جلوگیری از آثار نامطلوب زندان؛
- ۲-افزایش احتمال بازسازی و اصلاح مجرم که از طریق محبوس شدن بدست نمی آید؛
- ۳-کاهش خطر تکرار جرم، چیزی که همه روزه شاهد آن هستیم؛
- ۴-جبران خسارات بزه دیده با انجام کار مفید برای جامعه؛
- ۵-افزایش حس مسئولیت، چیزی که در زندان به مرور از بین می رود؛
- ۶-رعایت نظم و انضباط در کار و احترام به دیگران. خدمات عمومی به لحاظ رسالتی که دارد از کار اجباری متمایز می شود به خصوص که برای انجام کار آن اعلام رضایت متهم لازم است. خدمات عمومی، مجازات ملایمی در برابر بزهکار نیست. زیرا این خدمات برای محکوم فشار جسمی و روانی به همراه دارد

چرا که آزادی و اختیار عمل او را محدود و او را ملزم به رعایت نظم و انضباط در انجام کارها می کند. زیرا بر بزهکار و نحوه اجرای کار نظارت دقیق صورت می گیرد.

نتیجه گیری

امروزه آمارها و مطالعات انجام شده نشان داده اند که مجازات سالب آزادی از لحاظ عملی به دلایل زیر با بحران و ناکارآمدی روبرو است: اولاً مجازات سالب آزادی در برآورده کردن رسالت ها و اهدافش (ارعاب و بازدارندگی پیشگیری خاص و عام و اصلاح و بازپروری مجرمان) موفق نبوده است. زیرا، آمارها نشان داده اند که بخشی از جمعیت کیفری زندان را تکرار کنندگان جرم (ارتکاب مجدد مستوجب مجازات حبس توسط زندانی پس از آزادی از زندان) تشکیل می دهند. ثانیاً، به لحاظ برخی مشکلات و معایب وارده حبس و نظام زندان ها، استفاده از مجازات سالب آزادی به طور گسترده غیرضروری است. ایرادات و معایب وارده عبارتند از: جرم زا بودن محیط زندان، تعارض با اصل شخصی بودن مجازات ها، هزینه اقتصادی زندان، معضلات بهداشتی موجود در زندان، تراکم جمعیت کیفری زندان و کمبود فضای مناسب، اثر روانی نامطلوب زندان بر زندانی و از بین رفتن حس مسئولیت.

مجازات سالب آزادی از یک سو، در میان مکاتب کیفری جایگاه متفاوتی دارد. با این توضیح که اولاً، بنیان گذاران مکاتب کلاسیک برای کیفر حبس جایگاه والایی قایل اند، به گونه ای که مکتب نئوکلاسیک به عنوان بنیان گذار «علم اداره زندان ها» معرفی شده است. بیشتر دغدغه مکاتب کلاسیک بهبود نحوه اجرای کیفر حبس در جهت اصلاح و بازپروری مجرمان بوده است. اما در عین حال باید گفت که مکتب نئوکلاسیک، جزای نقدی را به عنوان جایگزین حبس کوتاه مدت به لحاظ آثار زیان بار حبس های کوتاه مدت معرفی کرد. ثانیاً، بنیان گذاران مکتب تحقیقی و مکتب دفاع اجتماعی (جدید) سعی در کاهش قلمرو و مداخله مجازات سالب آزادی می نموده اند با این توضیح که فری و لمبرزو با مجازات ها به طور کلی و به ویژه با زندان به لحاظ آثار زیان بخش و غیرانسانی آن به مخالفت پرداخته اند و کیفر حبس را تنها برای دسته ای خاص از مجرمان پیش بینی می کردند و سعی در پیش بینی جایگزین هایی نظیر تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط در مورد بزهکاران بی سابقه و اتفاقی می نمایند. به گونه ای که می توان گفت نخستین جلوه های جایگزین های مجازات حبس را بایستی در افکار و عقاید مکتب تحقیقی (سده نوزدهم) جستجو کرد. مارک آنسل نیز ضمن انتقادات گسترده علیه زندان، توسل به حبس را تنها در موارد استثنایی و در موارد فزاینده خشونت آمیز و تروریسم و به عنوان آخرین حربه قابل توجیه می داند و توسل به «جانشین های زندان» را پیشنهاد می کند. از سوی دیگر، اولاً، جرم شناسان کلاسیک ضمن تأکید بر جنبه های اصلاح و درمان مجرمان در زندان ها یا حبس های کوتاه مدت در مورد مجرمان بی سابقه و اتفاقی به لحاظ ایرادات و اشکالات وارده بر مجازات زندان نظیر تراکم جمعیت کیفری، مشکلات بهداشتی موجود

در زندان و غیره به مخالفت می پردازند. ثانیاً، جرم شناسان واکنش اجتماعی نیز با کیفر حبس های کوتاه مدت به لحاظ شکست جرم شناسی مبتنی بر اصلاح و درمان و نیز نقش عوامل و نهادهای اجتماعی کنترل جرم نظیر برخورد کارکنان و مأموران زندان با زندانیان در تولید انحراف و بزه به مخالفت پرداختند و خواستار عدم مداخله دولت و نهادهای رسمی در امر مبارزه با جرم و نیز خواستار حل و فصل جرائم در خارج از نهادهای رسمی و از طریق صلح و سازش به جای رفتن مجرم به زندان هستند.

زندان به عنوان یکی از قدیمی ترین مجازات های سنتی امروزه دیگر توقعات دانشمندان و اندیشمندان حقوق جزا مبنی بر اصلاح و تربیت مجرمین و دفاع از جامعه را به خوبی برآورده نمی سازد. با توجه به افزایش تکرار جرم جنبه سزادهی و بازدارندگی و اصلاح و بازپروری مجازات سالب آزادی اعتبار و اهمیت خود را از دست داده است. زندان امروزی صرف نظر از اینکه هزینه های اقتصادی کلانی را بر جامعه تحمیل می کند به مدرسه جرم ساز تبدیل شده مکانی که مجرمین اتفاقی در کنار مجرمین حرفه ای گرد هم می آیند و در این راستا تجارب و تفکرات مجرمانه به سهولت مبادله می گردد، زندان نه تنها مجرمین را اصلاح نمی کند بلکه در اکثر موارد فرایند بازپروری اجتماعی را دشوار می سازد یا به تأخیر می اندازد. استفاده از سیاست حبس زدایی و جایگزینی در قلمرو مجازات سالب آزادی در بسیاری موارد می تواند بر کاهش جمعیت کیفری و کاهش تکرار جرم و همچنین کاهش هزینه سازمان زندان ها و احیاناً افزایش درآمد دولت ها از طریق اعمال جایگزین هایی مثل جزای نقدی و ... منجر شود. به نظر اینجانب هر تأسیس و تدبیری که به گونه ای در کیفر زندان اختلال ایجاد کرده و آنرا محدود کند می تواند جانشین زندان باشد و سیاست حبس زدایی را رونق بخشد. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، گام های مؤثری در جهت حبس زدایی برداشته شده که مصداق بارز آن را در جزای نقدی روزانه، دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان و... می توان دید. البته زمانی که در این قانون از حبس زدایی صحبت می نمایم باید در نظر داشت که، هیچ گاه نمی توان به طور قاطع از زدودن کیفر حبس سخن راند. بلکه آنچه منظور است، بیشتر ترویج مجازات هایی است که منوط به حصول برخی شرایط، می توان آنها را جایگزین حبس نمود. به لحاظ پاره ای مشکلات و معایب وارده بر حبس استفاده از مجازات سالب آزادی به طور گسترده غیرضروری است (مثل جرم زا بودن زندان، تعارض با اصل شخصی بودن مجازات ها، مشکلات بهداشتی، تعارضات جنسی) منظور از جایگزین حبس در این تحقیق هم مفهوم موسع است و هم مضیق. نه تنها شامل مواردی که به عنوان کیفر مستقل مورد حکم دادگاه قرار می گیرد مثل خدمات عمومی، دوره مراقبتی، جریمه روزانه؛ بلکه شامل مواردی که زمینه اجتناب از اجرای مجازات حبس یا صدور آن را فراهم می کند مثل تعلیق اجرای مجازات و تبدیل مجازات هم می شود و مواردی که از ادامه اجرای مجازات حبس جلوگیری می کنند نظیر آزادی مشروط و میانجیگری در مرحله اجرای حکم می شود. روش های دستیابی برای اعمال سیاست جایگزینی به دو دسته تقسیم می شود، زندان زدایی نسبی و مطلق. در زندان زدایی

نسبی مجازات جایگزین حبس نمی شود بلکه هدف آن اجتناب از اجرای حکم مجازات حبس و چگونگی اجرای آن می باشد یعنی مجازات حبس اعمال می شود لکن آزادی به طور نسبی از محکوم علیه سلب می شود و ممکن است در نحوه اعمال حبس تغییر حاصل شود. لکن زندان زدایی مطلق در واقع همان تبدیل مجازات می باشد و هدف آن این است که زندانیان در زمان گذراندن محکومیت خویش با محیط زندان آشنا نشوند.

آمارها نشان داده مجازات جایگزین حبس موفق تر از مجازات حبس در تحقق اهدافشان بوده اند زیرا پیش بینی مجازات های جایگزین باعث متنوع تر شدن ضمانت اجراها و اجرای بهتر عدالت شده اند و اصلاح بازسازی مجدد اجتماعی مجرم را به جامعه فراهم می کند. به گونه ای که طبق تحقیقات انجام شده، میزان تکرار جرم کسانی که به مجازات های جایگزین محکوم شده اند در مقایسه با کسانی که به کیفر حبس محکوم شده اند کمتر است. استفاده از تجربیات و مطالعات انجام شده در سایر کشورها در خصوص برنامه های جایگزین حبس می تواند ما را از اشتباهات دور نگه دارند و در اجرای صحیح برنامه های موردنظر راهکارهای زیادی ارائه دهد. قوانین جزایی چه به لحاظ ماهوی و شکلی بایستی در راستای زدودن حبس محوری مورد بازنگری قرار گیرند. حبس باید امری استثنایی در قانون کیفری ما باشد. و همچنین بازداشت موقت. قانون گذار کیفری ایران در زمینه جایگزین های مجازات حبس از سیاست جنایی مشخص پیروی نمی کند زیرا از یک طرف برای پرهیز از حبس جزای نقدی را پیش بینی کرده است، از سوی دیگر در صورت عجز محکوم علیه از پرداخت جزای نقدی حکم بازداشت در زندان را صادر می کند، که می توان گفت قانون گذار کیفری ایران در زمینه جایگزین های مجازات حبس از سیاست جنایی مشخصی پیروی نمی کند.

منابع

۱. اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۳، حقوق جزای عمومی، نشر میزان، چاپ بیست و هشتم، جلد دوم
۲. ارسلان نژاد، علی، ۱۳۹۳، تحلیل مهم ترین مواد آزمونی قانون آیین دادرسی کیفری جدید، انتشارات مهد حقوق
۳. آشوری، محمد، ۱۳۹۳، آیین دادرسی کیفری، انتشارات سمت، جلد دوم
۴. آشوری، محمد، ۱۳۹۴، جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، نشر گرایش، چاپ دوم
۵. آشوری، محمد، بررسی جایگزین مجازات حبس، همایش بین المللی بررسی راه های جایگزین مجازات حبس، تهران ۱۹-۱۸ اردیبهشت ۸۱، مجله حقوقی و قضایی دادگستری شماره ۳۸ بهار

۶. آنسل، مارک، ۱۳۷۵، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم
۷. اخوت، محمدعلی، شرح مواد قانونی مجازات اسلامی، ماهنامه دادرسی شماره ۲۲-۷۹/۷/۴
۸. اردبیلی، محمدعلی، جایگزین های زندان کوتاه مدت در حقوق کیفری ایران، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۰ مهر ۷۶
۹. بخشی زاده اهری، امین و عارفی، آیناز، ۱۳۹۲، محشای قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، نشر اندیشه عصر، چاپ اول، جلد اول
۱۰. بکاریا، سزار، ۱۳۷۴، رساله جرائم و مجازات ها، ترجمه علی اردبیلی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم
۱۱. بولک، برنارد، ۱۳۷۲، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات مجد، چاپ اول
۱۲. پرادل، ژان، ۱۳۹۲، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات سمت، چاپ سوم
۱۳. پیکا، ژرژ، جرم شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول
۱۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۹۲، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ بیست و پنجم
۱۵. رستمی، حیدر، علل ارتکاب جرایم منتهی به مجازات حبس، مرکز پژوهش و آموزش زندان ها، ۱۳۹۱
۱۶. زراعت، عباس، ۱۳۹۲، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، نشر ققنوس، چاپ دوم، جلد اول
۱۷. سازمان اصلاحات جزایی بین المللی، خدمات عام المنفعه به منزله جایگزین برای مجازات حبس، بی تا
۱۸. سماواتی، رضا، ۱۳۸۹، نگرشی بر جایگزین های حبس در ایران و فرانسه، نشر مهد حقوق، چاپ اول
۱۹. سمیعی، علی اصغر، چگونگی تقلیل جمعیت کیفری زندان ها، ماهنامه سیمرخ، شماره ۲، اول دی ماه ۸۳
۲۰. شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۹۲، حقوق جزای عمومی، انتشارات مجد، جلد اول و دوم، چاپ شانزدهم
۲۱. شاملو احمدی، محمدحسین، ۱۳۸۳، دادسرا و تحقیقات مقدماتی، نشر دادیار، چاپ نخست
۲۲. صادقی، یوسف، آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، ۱۳۹۴، انتشارات نقش جهان، چاپ اول
۲۳. صانعی، پرویز، ۱۳۷۱، حقوق جزای عمومی، انتشارات گنج دانش، جلد نخست

۲۴. صلاحی، جاوید، ۱۳۸۲، کیفرشناسی، انتشارات گنج دانش، جلد نخست
۲۵. عبدی، عباس، ۱۳۷۱، تأثیر زندان بر زندانی، آسیب شناسی اجتماعی، انتشارات نور
۲۶. علی آبادی، عبدالحسین، ۱۳۶۸، حقوق جنایی، انتشارات فردوسی، چاپ اول
۲۷. عمید، حسن، ۱۳۸۹، فرهنگ عمید، سرپرست تألیف و ویرایش: فرهاد قربان زاده، نشر اشجع، چاپ اول
۲۸. کوشا، دکتر جعفر و شاملو، باقر، نوآوری قانون جزای جدید فرانسه، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۰، مهر ۷۶
۲۹. کی نیا، مهدی، ۱۳۷۰، مبانی جرم شناسی، انتشارات دانشگاه تهران، جلد سوم
۳۰. گلدوزیان، ایرج، ۱۳۹۴، بایسته های حقوق جزای عمومی ۱-۲-۳، نشر میزان، چاپ بیستم
۳۱. گودرزی، محمدرضا، نارسائی های زندان، نشر میزان، چاپ نخست
۳۲. گودرزی، محمدرضا، ۱۳۸۶، تاریخ تحولات زندان، نشر میزان، چاپ دوم
۳۳. ملک اسماعیلی، عزیز اله، ۱۳۵۵، حقوق جزای عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول
۳۴. منوچهری، رضا، ۱۳۹۲، عفو و آثار آن از منظر فقه و اسناد حقوق بشری، انتشارات نورعلم، چاپ اول
۳۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، میزگرد مجازات های جایگزین زندان، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۳۸، بهار ۸۱
۳۶. نوربها، رضا، ۱۳۹۰، زمینه حقوق جزای عمومی، نشر دادآفرین، چاپ چهارم
۳۷. هاشمی شاهرودی، سید محمود، ۱۳۸۴، چرا حبس، انتشارات نگاران، چاپ اول

منابع لاتین:

- 38.1-[www. Hayateno. Net/840329/social.htm.com](http://www.Hayateno.Net/840329/social.htm.com)
- 39.2-<http://www.prosons.ir>
- 40.3-[http:// www. Lcaser vices. Com](http://www.Lcaser.vices.Com)
- 41.4-[www. Judiciarjbar.ir](http://www.Judiciarjbar.ir)
- 42.5-www.hognog.net
- 43.6-[www.iran. judiciary. Org /persain /publication /mara/latest –issue .ASP.](http://www.iran.judiciary.Org/persain/publication/mara/latest-issue.ASP)